

نگاهی به کتاب‌هایی که با موضوع مرگ نوشته شده‌اند

سفر به دنیای غریب

خانه جان محمدی

برای همه ما انسان‌ها دنیای پس از مرگ دنیای پیچیده‌ای است که شاید هیچ درک خاصی از آن نداشته باشیم. «روح» انیمیشنی است که سال گذشته پخش شد و با یک ایده مناسب، توانست مخاطبان زیادی را در سراسر دنیا،

داشته باشد. آدمی را از مرگ چاره نیست. عجیب‌ترین و غیرمنتظره‌ترین اتفاق خلقت که گریزی از آن نیست. میل به جاودانگی باعث شده متخصصان به دنبال راهی برای به تعویق انداختن زمان مرگ در انسان‌ها باشند؛ با وجود این، دل‌مان چه بخواید چه نخواهد، زندگی تمامی ساکنان زمین با این سرنوشت گره خورده است. آدم‌ها تنها موجوداتی هستند که می‌دانند در انتهای می‌روند. شاید ترس از واقعه‌ای که یقین

پیش آمدنش را در هر لحظه داریم، ما را به بهتر زندگی کردن وادار می‌کند. عده‌ای کوتاهی و زوال زندگی در این دنیا را تاب نمی‌آورند و پیش از موعد از آن دست می‌کشند؛ ولی چه چیزی مرگ را تا این حد برایمان مرز و تا مقداری ترسناک جلوه می‌دهد؟ شاید اینکه با تکیه به اعتقادات دینی، می‌دانیم که چیزی در انتظار ماست. یا ممکن است از تنهایی شب‌های سرد قبرستان هراس داشته باشیم. به قول خیام: «چون عمر

به سر رسد، چه بغداد و چه بلخ!؛ از قدیم‌الایام شنیده‌ایم که مرگ شستری است که در هر خانه‌ای می‌خوابد. پس راهی و جانی برای فرار نیست و بعد از بالا و پایین‌های متوالی به دل خاک فرو خواهیم شد. خاصیت داستان به این است که با یک روایت منحصر به فرد از هر رویدادی، اتفاقات را برایمان از پیش تعریف کند؛ اتفاقاتی که ممکن است برای هرکسی رخ دهد و حالا گریبان شخصیت

اصلی رمان را گرفته و ما را به خواندنش دعوت کرده است. مرگ هم یکی از اتفاقات مطلق زندگی است که هر انسانی دست کم یک مرتبه به آن دچار می‌شود. باور کنیم یا خیر، مرگ هر روز صبح با ما یک لیوان چای می‌نوشد و شب‌ها به خواب رفتن‌مان را تماشا می‌کند. کتاب‌های متعددی با محوریت این موضوع نوشته شده‌اند. در این گزارش به معرفی و بررسی برخی داستان‌های ایرانی و خارجی که از مرگ می‌گویند، می‌پردازیم.

۳ دقیقه در قیامت

بعد دوباره نگاهی به اطراف انداختم. دکتر جراح، ماسک روی صورتش را درآورد و به اعضای تیم جراحی گفت: مریض از دست رفت. دیگه فایده نداره... بعد گفت: خسته نباشید. شما تلاش خودتون رو کردین، اما بیمار نتونست تحمل کنه. یکی دیگه از پزشک‌ها گفت: دستگاه شوک رو بیارین... نگاهی به دستگاه‌ها و مانیتور اتاق عمل کردم. همه از حرکت ایستاده بودند! عجیب بود که دکتر جراح من، پشت به من قرار داشت، اما من می‌تونستم صورتش را ببینم! حتی می‌فهمیدم که در فکرش چه می‌گذرد! من افکار افرادی که داخل اتاق بودند را هم می‌فهمیدم. همان لحظه نگاهم به بیرون از اتاق عمل افتاد. من پشت درب اتاق را می‌دیدم. برادرم با یک تسبیح به دست، نشسته بود کنار درب اتاق عمل و ذکر می‌گفت. خوب به یاد دارم که چه ذکر می‌گفت. اما از آن عجیب‌تر اینکه ذهن او را می‌تونستم بخوانم. او با خودش می‌گفت: خدا کند که برادرم برگردد. او دو فرزند کوچک دارد و سوسمی هم در راه است. اگر اتفاقی برایش بیفتد، ما با بچه‌هایش چه کنیم؟ یعنی بیشتر ناراحت خودشم بود که با بچه‌های من چه کند؟! کمی آن طرف‌تر، داخل یکی از اتاق‌های بخش، یک نفر درمورد من با خدا حرف می‌زد... «این سال‌ها زیاد شنیده‌ایم از خاطرات کسانی که رفتن به آن دنیا را تجربه کرده و دوباره برگشته‌اند. کتاب «سه دقیقه در قیامت» دقیقاً به همین موضوع پرداخته است. این اثر روایت‌گر خاطرات افرادی است که تجربه‌ای نزدیک به مرگ را در زندگی خود داشته‌اند. بخش عمده و اصلی اثر به روایت تجربه یکی از جانبازان در این زمینه اختصاص دارد.



آن سوی مرگ

کتاب «آن سوی مرگ» که از سوی نشر معارف منتشر شده، در بردارنده سه روایت از تجربه افرادی است که در سه مرحله دنیای پس از مرگ را برای دقایقی تجربه کرده و آن را صادقانه برای مخاطب روایت کرده‌اند. کتاب نثری خوشخوان و ساده دارد. روایت‌ها گاه باورنکردنی است و مخاطب را می‌خکوب می‌کند. شخصیت پردازی سه روایت نقل شده، به گونه‌ای صورت گرفته که مخاطب با آن همراه شده و گاه همزادپنداری کند. دنیای پس از مرگ و حوادث بعد از آن، همواره یکی از پرسش‌هایی است که ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. آثاری مانند آن سوی مرگ به مخاطب این کمک را می‌کند تا بتواند تاحدی از دنیایی که پس از مرگ در انتظار انسان است، آگاهی یابد. برخی از این روایت‌ها گاه مخاطب را تکان می‌دهد و سبب می‌شود پس از اتمام کتاب، مخاطب با خود بیندیشد که او برای دنیای پس از مرگ چه کرده است. آن سوی مرگ به قلم جمال صادقی و با همکاری محمدحسین حاجی‌ده‌آبادی در ۳۵۰ صفحه منتشر شده است. این اثر با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه شده، به طوری که در کمتر از دو سال، در ۶۰ هزار نسخه در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته است.



مرگ خوش

این کتاب سال‌ها بعد از مرگ آلبی کامونستر شد و پیش‌نویسی برای خلق بیگانه بود. مورسو، شخصیت اصلی داستان کاموست؛ همان مورسو بیگانه‌ولی همراه با کمی نقص. این داستان درباره زندگی شخصیتی است که در همان فصل اول مرد فلجی را با رضایت خود می‌کشد تا اموالش را تصاحب کند. او این قتل را منفعلانه انجام می‌دهد و بر اساس آنچه از کتاب برمی‌آید، عذاب وجدانی هم در شخصیت اول این کتاب بعد از جنایت رخ نمی‌دهد. این کتاب در دو فصل نوشته شده است: مرگ طبیعی و مرگ عمدی. در مقدمه این کتاب آمده است: بی‌شک کامودر این رمان تحت تاثیر نیچه بوده است. در ۲۵ سالگی، کامورمان مرگ خوش را می‌نویسد و چهره دیونیزیوس و منقله اراده معطوف به خوشبختی را نشان می‌دهد که عصیان قهرمان خود را با اندیشه خلاف زمانه نیچه تغذیه می‌کند. کامو به دنبال خوشبختی است و خوشبختی در گرد داشتن پول و ثروت، و این که انسان فقیر نباشد.



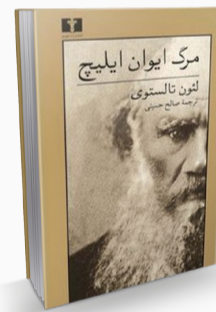
بیگانه

اگر رمان بیگانه را خوانده باشید، می‌دانید داستان با چنین جمله‌ای آغاز می‌شود: «مادر امروز مرد، شاید هم دیروز، نمی‌دانم!» این کتاب هم شاهکار دیگری از آلبی کاموست. کامو سه کتاب دارد که از آن با عنوان سه‌گانه پوچی یاد می‌شود و بیگانه یکی از آنهاست. راوی رمان مرد جوان مجردی به نام مورسو است و داستان با شرح روزهای بعد از مراسم تدفین ادامه پیدا می‌کند. برای درک رمان بیگانه مهم‌ترین فصل کتاب، فصل پایانی است. یعنی جایی که مورسو در زندان با کشیش صحبت می‌کند و به‌طور مشخص به پوچ بودن زندگی اشاره می‌کند. البته باید در نظر داشت که مورسو هیچ اعتقادی به جهان پس از مرگ ندارد.



مرگ ایوان ایلیچ

رمان «مرگ ایوان ایلیچ» داستان قاضی صاحب‌منصب روسی به همین نام است و کتاب با مرگ او آغاز می‌شود. لئو تولستوی این کتاب را با نگاهی به مرگ و فناپذیری انسان نوشته است. شخصیت اصلی داستان یک انسان متظاهر و ریاکار بوده که در زندگی اش تمامی افعال را با منطقی استوار به پیش برده است. ایلیچ هر قدر که به مرگ نزدیک می‌شود، مراحل انکار، ترس، خشم، انزجار و در آخر پذیرش را پشت‌سر می‌گذارد. ایوان در راه رسیدن به مرگ، مراحل معرفت و شناختش را طی می‌کند. و در آخر، انتهای همان چاه سیاهی که انتظارش را می‌کشید، روشنایی را می‌یابد. خواندن این کتاب خصوصاً با ترجمه سروش حبیبی می‌تواند لحظات خوبی را برای کسانی که به ادبیات روسیه علاقه‌مندند، به یادگار بگذارد.



وقفه در مرگ

«وقفه در مرگ»، یک رمان خیالی نوشته ژوزه ساراماگو است. داستانی انتزاعی حول محور مرگ و یک زن که می‌تواند خود را نشان داده و یا تغییر شکل بدهد. همچنین نویسنده در این رمان به چگونگی ارتباط جامعه با مرگ و تعامل با مردی که قرار است بمیرد، می‌پردازد. داستان از این قرار است که در یک کشور ناشناخته در اول ژانویه سال میلادی جدید، اعلام می‌شود که مرگ مرده است و از این به بعد در این کشور هیچ کس نمی‌تواند بمیرد. حالا مرگی که همه از آمدنش هراس داشتند، نیامدنش کار را برای آدمی سخت می‌کند. حتی عده‌ای را به تکاپوی بازگردانی اوضاع به قبل می‌اندازد. وقفه در مرگ ماجرای پدیده‌ای نادیده‌به نام مرگ است که می‌تواند خوب هم باشد.



استخوان‌های دوست‌داشتنی

«استخوان‌های دوست‌داشتنی»، ماجرای نوجوانی به نام سوزی است که مورد تجاوز قرار گرفته و به قتل می‌رسد و در نهایت در زیرزمین خانه خود دفن می‌شود. این اتفاق داستان‌های متعددی به دنبال دارد و ما در این رمان شاهد تاثیر مرگ او بر خانواده و دوستانش هستیم. داستانی به نسبت غمگین که با توجه به ضعف‌هایی که دارد، تاکنون چهار میلیون نسخه از آن به فروش رسیده و یک فیلم سینمایی از آن به تصویر کشیده شده است. در خلال داستان سوزی که حالا مرده و از دیدها پنهان است، به نظاره خانواده، دوستان و هم کلاسی‌هایش می‌نشیند. نویسنده با هوش و قدرت نگارش خود یک داستان دلخراش را به داستانی هیجان‌انگیز و پر از عشق تبدیل می‌کند. داستان خیال‌پردازانه آلیس سبالد، نویسنده این کتاب او را به یک نویسنده خاص تبدیل کرده است.



ژان بارو

روزه مارتن دوگار نویسنده کتاب «ژان بارو»، چهره شناخته شده دنیای ادبیات فرانسه و برنده جایزه نوبل ادبیات است. آلبی کامو او را از اخلاف تولستوی برشمرده و معتقد است هر دو به سرنوشت انسان علاقه‌مندند و این هنر را دارند تا انسان‌ها را با تمام تیرگی جسمانی شان ترسیم کنند. ژان بارو شخصیت اصلی کتابی به همین نام است و سه مشخصه بارز دارد: «شک، تنهایی و میل به برهم‌زدن قواعد اجتماعی و دینی و مذهبی حاکم». این رمان، داستان زندگی مردی صاحب‌اندیشه از ابتدای کودکی تا پیری و مرگ است. در جوانی به این نتیجه می‌رسد که ایمان به خداوند و حتی خدا زاییده توهمات و سوءتفاهات بشر و کلیسا هستند اما در پیری مومن از دنیا می‌رود. مارتن با نگاهی فلسفی به مساله جبر و اختیار، شک و آزادی انسان، مرگ و زندگی پرداخته است. در بخش پایانی این کتاب آمده: «انسان هرگز نمی‌تواند از خداوند صرف‌نظر کند؛ زندگی مغلوب مرگ است و فقط دین است که انتظار مرگ و تسلیم به مرگ - حتی آرزوی مرگ را می‌آموزد.»



لیکن در بارود

جورج ساندرز، نویسنده آمریکایی، در سال ۲۰۱۷ میلادی رمان «لیکن در بارود» را به رشته تحریر درآورد و همان سال هم برنده جایزه بوکر شد. رمان داستانی را روایت می‌کند که در آن آبراهام لینکلن از قبر پسر ۱۱ ساله‌اش که بر اثر تیغوس درگذشته، دیدار می‌کند. بیشتر اتفاقات این رمان در بارود رخ می‌دهد و این واژه در آیین بودایی به معنای سرزمین میانه یا همان برزخ است. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: «زندگی نیرنگی بیش نیست. تله‌ای وحشتناک. انسان به محض تولد در این تله گرفتار می‌شود؛ و چیزی نمی‌گذرد که روز موعود فرا می‌رسد. روزی که آدم مجبور است جشمش را بگذارد و برود. خود این موضوع به اندازه کافی دردناک و سخت است؛ اما ما آدم‌ها بچه به دنیا می‌آوریم. این تله‌ای که در آن گیر افتاده‌ایم کوچک و بزرگ نمی‌شناسد. آن بچه نیز باید از این دنیا برود. او نیز باید بمیرد.»



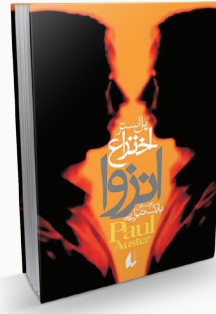
مرگ بالای درخت سیب

کتاب کاترین شرر، داستانی در ستایش مرگ است. انسان‌ها را به دنبال رویای جاودانگی می‌اندازد و آرزوی زیستی بدون مرگ را در ذهن مخاطب زنده می‌کند. «مرگ بالای درخت سیب» داستان روایه پیری است که دیگر نمی‌تواند حیوانی را شکار کند. تنها خوراکی که برایش مانده، سیب‌های روی درختانند. اما جانوران دیگر همیشه زودتر از او به سیب‌ها رسیده‌اند، پس حالا که راسوی جادوگر برای نجات جانش از رویاه می‌خواهد تا آرزویی کند، تنها چیزی که رویا می‌خواهد، چسبیدن هر دزدی به درخت سیب‌اش است. آرزو برآورده می‌شود و از آن روز دیگر کسی جرأت نزدیک شدن به درخت افسون شده را ندارد. تا اینکه بالاخره مرگ از راه می‌رسد. در نهایت باید بگوییم این کتاب این سوال نهاده شده در تمامی انسان‌ها که چرا باید مرد و یا چرا می‌میریم را در لفافه برای کودکان مطرح می‌کند.



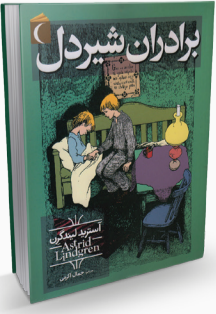
اختراع انزوا

کتاب «اختراع انزوا» نوشته پل استر از نویسندگان نام‌آشنای آمریکایی است. این کتاب، سرگذشت نامه استر است که در بخش اول آن «پرتره مردی نامرئی» از پدرش می‌گوید که در طول زندگی به انزوایی خودخواسته فرو رفته و در بخش دوم (کتاب خاطرات) با روایت سوم شخص، گوشه‌هایی از زندگی شخصی خود را تشریح می‌کند که فرو رفتن در نوعی انزوا، از شاخصه‌های اصلی آن است. به صورت کلی در این کتاب نشانه‌های بسیاری از تاثیر حوادث زندگی استر روی متن و داستان را می‌بینیم. در بخشی از این کتاب آمده: «وقتی که رتم، فهمیدم هیچ چیز آزاردهنده‌تر از اجبار روبه‌رو شدن با وسایل یک انسان مرده نیست. همه چیز را کند است؛ این وسایل تنها در خدمت آن حیاتی معنا دارند که از آنها استفاده می‌کند. وقتی آن حیات پایان یابد، چیزها تغییر می‌کنند، حتی اگر به همان شکل باقی مانده باشند، حضور دارند و با این حال حاضر نیستند؛ ارواحی عینی، محکوم به بقا در جهانی که دیگر به آن تعلق ندارند.»



برادران شیردل

کتاب «برادران شیردل» به قلم آسترید لیندگرن، داستانی است درباره مبارزه برای آزادی و مرگ. این کتاب در حالی در اواخر قرن ۲۰ میلادی منتشر شد که نوشتن درمورد مرگ برای کودکان متداول نبود. با وجود این، مورد توجه این گروه سنی قرار گرفت و بسیاری از خوانندگان کودک این کتاب با ارسال نامه‌هایی از آسترید خواستند تا چند دوم آن را هم روانه بازار کند. این کتاب داستان دو برادر به نام‌های یوناتان و کارل است. یوناتان، برادر بزرگ‌تر در یک آتش سوزی کشته می‌شود. کارل برادر کوچک‌تر که بیمار است مدتی پس از یوناتان می‌میرد و در جایی به نام دره گیلاس، به برادرش می‌پیوندد و زندگی شادایی را در کنار برادرش آغاز می‌کند. اما به زودی متوجه می‌شود در سرزمین دره گل سرخ که در همسایگی آنها قرار دارد، تنگیل، پادشاه ستمگر و بی‌رحمی حکومت می‌کند که آرامش و آزادی را از مردم گرفته است. کارل و برادرش به یاری مردمان دره گل سرخ می‌روند و برای آزادی مردمان دره گل سرخ مبارزه می‌کنند.



مواجهه با مرگ

رمان «مواجهه با مرگ» نوشته برایان مگی، فیلسوف انگلیسی برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ چاپ شد. برایان مگی نویسنده‌ای است که همه او را با کتاب‌های فلسفی‌اش می‌شناسند و این کتاب از معدود رمان‌های اوست. این رمان، یک اثر مهم فلسفی است که علاقه‌مندان ادبیات که تمایل چندانی به خواندن کتاب‌های فلسفی ندارند، می‌توانند با مطالعه آن، با برخی دیدگاه‌های فلاسفه غرب درباره مرگ و زندگی آشنا شوند. داستان «مواجهه با مرگ» درباره روزهای ۲ سال پایانی زندگی مرد جوانی به نام جان اسمیت است که در ۳۰ سالگی و اوج شکوفایی شغلی و زندگی‌اش مبتلا به بیماری هاجکین (نوعی سرطان خون) می‌شود. مردی که به دلیل شرایط شغلی‌اش در لبنان زندگی می‌کند و وقتی از شرایط حاد جسمانی‌اش مطلع می‌شود به لندن بازمی‌گردد. حتی جدا از شخصیت پردازی کاراکترهای انسانی داستان، مرگ هم در رمان «مواجهه با مرگ» دارای شخصیت است که گاهی خودرابه‌طور ضمنی و گاهی عینی و کاملاً ملموس نشان می‌دهد. اگر کتاب را بخوانید متوجه حضور مرگ در تمام صحنه‌ها خواهید شد.

